

بررسی تطبیقی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ایران و قانون کیفری فرانسه ایرج فرشباف^۱

درج شده در مجله کانون وکلا- تابستان ۱۳۹۴

چکیده

امروزه، وظیفه مجازات مجرم برعهده دولت‌ها گذاشته شده و در واقع با این استدلال که علاوه بر بزه دیده، جامعه نیز از ارتکاب آنها مورد تهدید قرار می‌گیرد، دخالت دولت‌ها در امر اجرای عدالت کیفری امری ضروری به شمار می‌آید. در این راستا، افراد جامعه با مطلع شدن از هر نوع تعرض احتمالی به حقوق و اموال خود و دیگران و با فرصت موسعی که قانون برای آنان مقرر کرده است، می‌توانند به مرجع قضایی مراجعه کرده و در دادگاه‌ها حقوق خویش را اثبات کنند. البته، پس از سپری شدن مهلت مقرر قانونی نظام قضایی کشور تعهدی برای استماع دعوا وجود ندارد که این رفتار را می‌توان از عادلانه‌ترین رفتار حاکمیت با شهروندان دانست که در آن فرصتی گسترده به دعاوی آنها گوش داده و پس از مضمی این مهلت چنین فرض می‌شود که شخص تمایلی به تعقیب مجرم ندارد. با توجه به این مطلب که آرا و عقاید مختلفی در رابطه با مرور زمان کیفری، وجود دارد و همچنین، یکی از موضوعاتی که امروزه به ندرت مورد بحث محافل حقوقی قرار گرفته است، مبحث مرور زمان در دعاوی حقوقی است؛ نگارنده بر آن است تا این مسئله را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد جستار قرار داده و قوانین مرتبط با آن را بین دو کشور ایران و فرانسه مورد مقایسه و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: مرور زمان کیفری، قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرایم بازدارنده، بزه‌دیده، بزه‌کار، استماع دعوی.

^۱. وکیل پایه یک دادگستری.

مقدمه

ارتکاب جرم و جنایت از دیرباز در جوامع بشری به گستردگی وجود داشته است. هرچند در دوره هایی از زندگی بشر، انسان ها برای مقابله با جرم و مجازات مجرم از اصل انتقام گیری شخصی، قومی و قبیله ای به جای پیگیری های قضایی استفاده می کردند. امروزه، این وظیفه برعهده دولت ها گذاشته شده و در واقع با این استدلال که علاوه بر قربانی مستقیم جرایم، جامعه نیز از ارتکاب آنها مورد تهدید قرار می گیرد، دخالت دولت ها در امر اجرای عدالت کیفری امری ضروری محسوب شده و بزهکاران در نهادهای قضایی محاکمه می شوند.^۱

با توجه به تغییرات رخ داده در عصر حاضر و بالا رفتن سطح دانش و آگاهی اجتماعی شهروندان، افراد جامعه با مطلع شدن از هر نوع تعرض احتمالی به حقوق و اموال خود و دیگران و با فرصت موسعی که قانون برای آنان مقرر کرده است، می توانند به مرجع قضایی مراجعه کرده و حقوق خویش را اثبات کنند. البته از نظر برخی، پس از سپری شدن مهلت مقرر قانونی نظام قضایی کشور تعهدی برای استماع دعوا وجود ندارد که این رفتار را می توان از عادلانه ترین رفتار حاکمیت با شهروندان دانست که در آن فرصتی گسترده به دعاوی آنها گوش داده و چون این فرصت سپری شد، چنان برداشت کند که خواهان نخواستن را برگزیده و از حق احتمالی خود گذشته است.^۲

با استناد به مطالب بیان شده، می توان به مبحثی در قانون مجازات اشاره کرد که به قاعده مرور زمان شناخته شده است و همان طور که یکی از اساتید بیان می کند، در رابطه با عدم رسیدگی و اجرای حکم قطعی می باشد که طی مدت معینی به تعویق افتاده و در اصطلاح حقوقی جرم مشمول مرور زمان شده است.^۳ هرچند که در قوانین موضوعه، مرور زمان کیفری به طور صریح تعریف نشده است، برخی از حقوقدانان مرور زمان را به عنوان صفتی معرفی می کنند که عارض بر حق مجازات به خاطر گذشت زمان بوده و لازمه آن منع از ادامه تعقیب یا اجرای مجازات است.^۴

ساده ترین تعریف از قاعده مرور زمان این است که پس از سپری شدن مهلت مقرر قانونی نظام قضایی کشور تعهدی برای استماع دعوا ندارد. عده ای از حقوقدانان و صاحب نظران معتقدند که زمان تاسیس قاعده مزبور

^۱ .What Is the International Criminal Court?"; ۲۰۰۵, P. ۱, at:http://www.globalsolutions.org/files/public/documents/ICC_What-is-it.pdf

^۲ کراماتی، ابراهیم (۱۳۹۲) جای خالی مرور زمان در آیین دادرسی مدنی.

^۳ آخوندی، محمود (۱۳۷۶) "آیین دادرسی کیفری"، چاپ ۸، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۲۴۶.

^۴ . نبرای، نبیل عبد الصبور (۱۹۹۶) "سقوط الحق فی العقاب بین الفقه الاسلامی و التشریح الوضعی"، بیروت: دارالفکر العربی ص ۲۹۵

مربوط به دوره ای می باشد که حقوق رومی شکل گرفته است. این گروه بیان می کنند که این اصل از قوانین سولون، مقنن رومی و از قوانین الواح دوازده گانه است که به وسیله ده نفر از قضات برجسته آن کشور جمع آوری شده بود.^۱ در این راستا، برخی معتقدند اولین قانون رومی که مرور زمان را مورد قبول قرار داده است، در رابطه با بزه زنا می باشد که مدت مرور زمان را برای آن پنج سال در نظر گرفته است.^۲ قاعده مرور زمان کیفری که برای اولین بار در قوانین موضوعه روم باستان قابل مشاهده می باشد؛ به مرور زمان، وارد حقوق فرانسه شده و سپس، وارد حقوق اکثر کشورهای جهان گردیده است.^۳ علاوه بر جایگاه ویژه این قاعده در قوانین موضوعه کشورهای غربی که به سابقه و پیشینه طولانی این امر در این کشورها اشاره دارد، در حقوق اسلامی نیز، درباره وجود یا عدم چنین مبحثی در احکام، نظریاتی وجود دارد که بر اساس آن، برخی معتقد بر عدم وجود سابقه ای از مرور زمان در حقوق اسلامی بوده^۴ و برخی دیگر با مراجعه به متون اسلامی بر وجود سابقه ای طولانی از مرور زمان در حقوق اسلامی تاکید می کنند.^۵ از نظر شیخ مفید: "کسی که خانه یا مال غیر منقول و یا زمینی در تصرف کسی بگذارد و ده سال بگذرد که سخنی از آن نگوید و آن را نخواهد و دعوائی به مناسبت آن نکند حق او از مال خود ساقط می شود"^۶.

در واقع این قاعده دارای اهمیت خاصی بوده و به عنوان یکی از مسائل مطرح در قوانین جزائی می باشد که مرتبط با حق و زائل شدن آن است. به این صورت که اگر استفاده نکردن از حق مدتی ادامه پیدا کند، مهم ترین امتیاز آن یعنی رجوع به دادگاه و اجبار مدیون را از بین می برد. نکته دیگر اینکه آیا قاعده مرور زمان کیفری در قانون مجازات ایران مصوب ۱۳۹۲ با قاعده مرور زمان کیفری در قانون مجازات فرانسه مطابقت و همخوانی دارد؟

مبحث نخست: تبیین مفهوم مرور زمان و روایی آن در فقه و حقوق اسلامی

-
۱. سرمدی، محمود (۱۳۱۶) "مجموعه حقوقی"، شماره ۳۴، ص ۲۴.
 ۲. واعظی، ابوالفضل (۱۳۵۴) "مرور زمان کیفری از نظر قوانین جزائی سابق و لاحق"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ص ۷.
 ۳. گارو (۱۳۴۴) "مطالعات نظری و عملی حقوق جزا"، ترجمه: ضیاءالدین نقابت، جلد ۲۷، تهران: انتشارات ابن سینا، ص ۲۷.
 ۴. شفایی، محسن (۱۳۴۵) "اسلام و قانون مرور زمان"، چاپ ۲، تهران: انتشارات نقش جهان، تهران، ص ۲۱۲.
 ۵. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۷) "جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام"، تعلیق محمد قوچانی، جلد ۲۹، تهران: المکتبه الاسلامیه، ص ۴۳۸.
 ۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷) "ترمیمولوژی حقوق"، چاپ ۱۹، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ص ۶۳۸.

مرور زمان دارای دامنه وسیعی از تعاریف، در حقوق و قضا می باشد که بر مبنای هر یک از زیر مجموعه های آن به صورت خاصی تعریف شده است. بر اساس ماده ۷۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی سابق: "مرور زمان گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضا آن مدت، دعوی شنیده نمی شود". در امور کیفری نیز مرور زمان به عنوان گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از انقضای آن مدت تعقیب جرم یا اجرای حکم قطعی یا صدور حکم قطعی کیفری موقوف می شود.^۱ در متون فقهی شیعه با استناد قاعده (الحق لا سقط بالتواتر الزمان) مرور زمان موجب سقوط حق مجازات جز در مجازات های تعزیری مورد قبول واقع نشده است در کتابهای فقهی شیعه، تقادم و مرور زمان فقط در جرم زنا مورد توجه قرار گرفته است و به طور اتفاق و اجماع تقادم، مرور زمان را مضر و قاذح در استماع دعوای کیفری حدی نمی دانند. شیخ طوسی در کتاب المبسوط می گوید: «تعزیر به تشخیص امام واگذار شده است و اجرای آن بر وی واجب نیست. اگر تعزیر را مصحلت دانست انجام می دهد اگر ترک را تشیخص داد، ترک می کند» و هم او در کتاب خلاف می گوید: «تعزیر به امام واگذار شده است و در این مسئله خلافتی بین فقها نیست و دلیل ما شیعه ظاهر روایت است. ادله مهم نفی مرور زمان از نظر فقههای شیعه عموم و اطلاق ادله، عدم تخصیص حد، به زمان قریب، عدم تفاوت بین فور و تراخی در اجرای حد و رعایت اصل استصحاب می باشد. ولی اکثر فقههای اهل سنت از جمله فقههای حنفی و حنبلی به استناد قاعده استسحان (ما راه المسلمون حسنا فهو عندالله حسن) مرور زمان را پذیرفته اند.^۲ با توجه به این مطلب که قاعده مورد نظر گستره وسیعی از مفاهیم را شامل می شود؛ محقق بر آن است که قبل از بررسی تطبیقی قاعده مذکور در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، به تبیین مفهوم مرور زمان و روایی آن در فقه و حقوق بپردازد.

گفتار نخست: تبیین مفهوم مرور زمان و مفاهیم مرتبط با آن

در لغت، کلمه مرور به معنای رفتن و گذشتن می باشد.^۳ در فرهنگ لغات عرب، از مرور زمان به تعبیری چون مرور الزمن؛ مزی المده و تقادم یاد شده است.^۴ از نظر برخی حقوقدانان نیز مرور زمان را از نظر لغوی می توان به معنای گذر زمان دانست.^۵

^۱ - آخوندی، محمود (۱۳۷۱) "مرور زمان کیفری (چگونگی مشروعیت و فلسفه آن)"، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۶، ص ۶۸.

^۲ - الطبرسی، شیخ، ابوجعفر، محمد بن الحسن، المبسوط فی فقه الامامیه، مؤسسه نشر اسلامی قم، ۱۴۲۸ ه.ق.

^۳ - ابو حبیب، سعدی (۱۴۰۸) "القاموس الفقهی"، دمشق: دارالفکر، چاپ ۲، جلد ۶، ص ۲۴۹.

^۴ - ابوالحسنین، احمد بن فارس (۱۴۰۴) "معجم مقانیس اللغة"، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ۱، جلد ۵، ص ۳۳۱.

^۵ - مهدوی، ابراهیم (۱۳۳۶) "در اطراف مرور زمان"، کانون وکلا، دوره ۱، شماره ۵۲، ص ۳۲.

فقها بر این باورند که مرور زمان در اصطلاح به گذشتن مدت زمانی اطلاق می شود که پس از آن، به واسطه حیات (تسلط بر، مالکی نداشته)، مالکیت ایجاد می شود که این امر خود به دو نوع زیر تقسیم شده و هرکدام از این اقسام احکام خاص خود را دارا هستند^۱:

- حیات به همراه جهل به مالک اصلی
- حیات به همراه علم به مالک اصلی

شیخ طوسی نیز در بیان معنی مصطلح از این مفهوم بیان می کند که روند گذر زمان، سبب سقوط حق مالک نشده و تا زمانی که مالک معین موجود باشد، حق مالک در ید وی (مالک) باقی خواهد ماند. شیخ طوسی معتقد است که موات بالعرض همانند زمین آباد است و کسی مجاز به آباد کردن آن نیست^۲. هم راستا با عقیده شیخ طوسی، امام خمینی نیز بیان می کند که مرور زمان مسقط حق شرعی مالک نبوده و در پاسخ بسیاری از مسایل و مشکلات مطروح، مساله مرور زمان را در سقوط حقوق افراد بی تاثیر دانسته است^۳. همان طوری که از مضمون مطالب بیان شده می توان دریافت، از نظر مکارم شیرازی در قوانین فقهی اسلامی به نام مرور زمان وجود نداشته و تنها چیز موجود آن است که مرور زمان دلیل قطعی و یا حجت شرعی بر اعراض صاحب حق می شود و گاه ممکن است عناوین ثانویه مانع از رسیدگی به این گونه جرایم یا حقوق گردد^۴. پس در فقه باید به این امر تاکید کرد که مرور زمان مانع از استماع دعوی است اما مقصود، مرور زمانی است که بلا عذر واقع شده باشد. از نظر فقه اسلامی، حق پایدار است و مرور زمان مسقط اصل حق نخواهد بود. به علاوه، مرور زمان برای آن دسته از دعاوی که نفع آن به عموم باز می گردد؛ از جمله راه های عمومی، نه‌رها، پیاده روها و غیره به سبب وجود افرادی چون: مجانین، صغار، غایبین که افراز حق آنان از سایرین امکانپذیر نمی باشد، در نظر گرفته نمی شود^۵.

در اصطلاح حقوقی نیز می توان بیان کرد که مرور زمان عبارت است از سقوط تعهد به واسطه گذشتن مدتی خاص، به گونه ای که قانونگذار بر سکوت صاحب حق و عدم مطالبه حقی، نتیجه ای اساسی را مترتب می کند و آن عبارت است از عدم امکان الزام قضایی. در این باره باید توجه داشت که زمان، یعنی پایان مدت، گاهی

۱. عبدالرحمان، محمود (۱۴۱۹) "معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه"، جلد ۱، قاهره: دارالفضیله، ص ۴۸۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) "استفتات جدید"، قم: مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ دوم، جلد ۱، ص ۱۴۵.

۳. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۶) توضیح المسائل، بیجا، بینا، جلد دوم، ص ۲۵۴.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، پیشین، ص ۱۴۵.

۵. مجموعه من المؤلفین (۱۴۰۴) "موسوعه الفقیه الكويتیه"، کویت: دار السلاسل، جلد ۱، ص ۳۳۷.

حقی را ایجاد می کند و گاه تعهدی را ساقط می کند.^۱ از منظر حقوقدانان، مرور زمان گذشتن مدتی است که پس از آن از دیدگاه قانونی، اعلام شکایت و یا تعقیب و تحقیق و رسیدگی به دعوای عمومی و سرانجام اجرای مجازات، امکان پذیر نبوده و چون مقررات راجع به مرور زمان علی الاصل مخالف قواعد مؤجد حق است و جنبه استثنایی بر آنها دارد، هنگام شک در سعه و ضیق مقررات مرور زمان باید تفسیر مضیق کرد.^۲ ظرف زمان منشا تاثیراتی در عالم حقوق است که حقوقدانان نقش تعیین کننده ای برای آن در رابطه با تمامی ارکان و اصول حقوقی بیان کرده اند. البته برخی از حقوقدانان و صاحب نظران در راستای تایید نظر فقها و علما، بین گذشت و مواعد قانونی ناشی از آن و همچنین مرور زمان تفاوت هایی را در نظر گرفته اند.^۳

۱. مرور زمان در مفهوم خاص و از نظر ماهیت حقوقی به تنهایی سبب مملک یا مسقط حق و تعهد است و نیاز به تأثیر عامل دیگری ندارد، اما گذر زمان به تنهایی چنین خاصیتی را نداشته و فقط مهلتی است برای اجرای حق.
۲. به لحاظ کاشف یا ناقل بودن حق، قاعده مرور زمان حاکی از انتقال کامل یک حق بوده، در حالی که گذشت زمان به هیچ وجه ناقل حق محسوب نمی گردد.
۳. پدیده مرور زمان یک استثنا بر اصل استصحاب بقای حق می باشد، در حالی که گذشت زمان موافق اصل بقای حق سابق است.
۴. پدیده مرور زمان به حقوق مالی اختصاص دارد، در حالی که گذر زمان در حقوق مالی و غیر مالی بطور یکسان تاثیرگذار است.

هر چند، بحث مذکور در حقوق و فقه متفاوت است و با وجود پذیرفته شدن مرور زمان به عنوان منشا اسقاط دعوی در حقوق ایران، در فقه اسلامی، فقها و علما با استناد به جمله "الحق قدیم لایسقطه الشیء" بیان می کنند که مرور زمان به عنوان مسقط حق، خلاف شرع است؛^۴ اما حقوقدانان تا اندازه ای موافق نظر فقها بوده و مرور زمان را موجب اسقاط حق فرد نمی دانند.

گفتار دوم: نقد و بررسی روایی مرور زمان از نظر صاحب نظران

۱. عطاله، برهام محمد (۱۹۹۲) "اساسیات نظریه الالتزام فی القانونین المصری و اللبنانی"، بیروت: دارالجامعیه، ص ۱۲۰.

۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶) "ترمینولوژی حقوق"، تهران: گنج دانش، چاپ ۸، ص ۶۳۸.

۳. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) "سقوط تعهدات"، چاپ ۱، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۴۰.

۴. انصاری، مسعود (۱۳۸۴) "دانشنامه حقوق خصوصی"، تهران: محراب فکر، ص ۸۷.

با توجه به این امر که مبنا و اساس قوانین حقوقی در ایران، فقه است؛ محقق بر آن است تا قبل از بررسی و تحلیل قانون مجازات و قوانین مرتبط با مرور زمان در آن، به کنکاش در پیرامون قاعده مرور زمان و مشروعیت یا عدم مشروعیت آن در فقه بپردازد. از نظر فقها، دو دیدگاه در این رابطه وجود دارد که در دیدگاه نخست، قاعده مذکور در حق و امور مرتبط با آن موثر بوده و در دیدگاه دیگر، مرور زمان تاثیری بر حقانیت مالک و یا زوال آن ندارد. از نظر طرفداران وجود قاعده مرور زمان، دو دلیل برای اثبات این امر وجود دارد که شامل؛ روایات و فتوای فقها می شود.

در رابطه با روایات و احادیث موجود در قلمرو مرور زمان، می توان به روایتی به نقل از سهل بن زیاد اشاره کرد که در آن حضرت موسی بن جعفر (ع) می فرماید: "ان الارض لله تعالی جعلها وقفا علی عباده فمن عطل ارضا ثلاث سنين متوالیه لغيره اعله اخذت من یده و دفعت الی غیره و من ترک مطالبه حق له عشر سنين فلا حق له"^۱. کلینی بیان می کند که بر اساس این روایت برای مرور زمان دو گونه تأثیر مقرر شده که شامل موارد زیر است:

۱. مرور زمان عاملی مؤثر جهت ایجاد حق انتزاع یا سلب مالکیت زمین به وسیله دولت می باشد. به موجب قسمت اول از این روایت، اراضی متعلق به خداوند است و او اراضی را جهت استفاده بندگان خود اختصاص داده است. هرگاه کسی زمینی را سه سال متوالی بلا استفاده رها کند، زمین از مالک اخذ و به دیگری سپرده می شود. این حکم تنها شامل اراضی می گردد.
۲. مرور زمان عاملی جهت سلب یا اسقاط حق به طور قهری است. در ادامه این روایت می توان مشاهده کرد که روایت مقرر می دارد: "هرگاه کسی حق خود را که برگردن دیگری دارد یا حقی که به وسیله دیگری استفاده می شود به مدت ده سال (متوالی) مطالبه نکند، این حق ساقط می گردد". پس، اسقاط حق، اعم از منقول یا غیر منقول، طی مرور زمان ده ساله اتفاق می افتد.^۲

البته برخی از فقهای شیعی معتقد به اسقاط حق به واسطه مرور زمان در این روایت می باشند^۳ و همچنین بیان می کنند که سهل بن زیاد که غیرمعمد شناخته شده است، دارای روایات ضعیف و غیرمعتبر نیز هست.^۴ از این رو، این حدیث را معتبر و قابل قبول نمی دانند. علاوه بر روایت بیان شده، روایتی دیگر را که وجود قاعده مرور

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹) "الکافی"، جلد ۵، قم: دار الحدیث للطباعه و النشر، ص ۲۹۷.

^۲. همان، ص ۲۹۷.

^۳. محقق داماد، مصطفی (۱۴۰۶) "قواعد فقه"، جلد ۱، چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ص ۲۸۰.

^۴. همان، ص ۱۸۵.

زمان را مورد قبول می داند، می توان روایتی از علی بن ابی طالب (ع) دانست که در آن می فرماید: "من اخذت منه ارض ثم مكث ثلاث سنين لا يطلبه الم تحل له بعد ثلاث سنين ان يطلبها". در این روایت، حضرت علی (ع) می فرماید: "کسی که زمینی از او گرفته شود و سه سال از مطالبه آن خودداری کند، پس از گذشت سه سال، مطالبه آن برای او جایز و حلال نیست".^۱ همان طور که از متن روایت پیش رو می توان دریافت، مرور زمان در این روایت نیز بر اسقاط حق تأکید می ورزد که در توجیه آن حر عاملی بیان می کند که شاید این روایات به مواردی اختصاص داشته که زمین پس از آنکه در ابتدا احیا و آباد شده بود، دوباره مخروبه گردد. وی همچنین بیان می کند که ممکن است در روایت پیشین نیز، منظور از حق در پایان روایت، در مورد زمینی باشد که در آن درخت غرس شده و سپس رها گشته و از بین رفته است.^۲

علاوه بر استناد به روایات، برخی از فقها نیز به عقلایی بودن و معقول بودن این امر اشاره کرده و فتوا به صحیح بودن این قاعده می دهند. از جمله این فقها می توان به آیت الله بجنوردی اشاره کرد که معتقد است، نباید از عقلایی بودن قانون مرور زمان در مسائل کیفری اعم از تعقیب و رسیدگی یا مسائل حقوقی وحشت داشت و بیان شود که اسلام حکمی ندارد. وی بیان می کند که ما نیازی نداریم تا اسلام بیاید یک روایتی بیان کند و بگوید من هم مرور زمان را قبول دارم. اگر بپذیرفتیم که تمام عقلا و تمام نظام های حقوقی دنیا این مسئله را قبول دارند، باید آن را قبول کنیم، ولو اینکه اسلام در مورد این مسأله به عنوان تأیید مستقل نظری نداشته باشد.^۳ همچنین، در فتوایی دیگر نوری بیان می کند: "هرکس خانه ای یا ملکی یا زمینی را در دست دیگری رها کند، بدون اینکه تا ده سال در این باره، حرفی بزند و درخواستی بکند و دعوا و شکایتی را مطرح نماید؛ از آن حقی نخواهد داشت".^۴

برخی از فقها نیز معتقد به متاثر نبودن قاعده مرور زمان در قوانین و احکام اسلامی بوده و معتقدند که مؤثر دانستن مرور زمان با موازین شرع مخالف است. این فقها در رابطه با مبحث اشاره شده، دلایلی را عنوان می کنند که در ادامه این گفتار به بررسی این دلایل خواهیم پرداخت. این گروه از علما نیز بر اساس دو دلیل اصلی که شامل روایات نبوی و فتوای فقها می باشد، بر نظر خود پایبند هستند. در این رابطه می توان به سه روایت اشاره کرد که اولین روایت، روایت نبوی "لا یبطل حق امره مسلم (وان قدم)" به این معنا که حق یک مسلمان

۱. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق) "وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه"، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵، ص ۴۳۴.

۲. همان، ص ۳۳۹.

۳. حاتمی، علی اصغر و ذاکری، محمد وحید (۱۳۷۹) "تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۸، ص ۴۸.

۴. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۵) "خاتمه المستدرک الوسائل"، جلد ۱۷، قم: آل البیت، ص ۱۱۹.

هیچ گاه باطل یا بی اعتبار نمی شود ولو اینکه مدتی (استفا ده از آن) معطل بماند، می باشد^۱ و دیگر روایت، روایتی از حضرت علی(ع) است که در آن حضرت می فرماید: "الحق القديم لا یبطله الشی" یعنی حق اشخاص را ولو قدیمی باشد هیچ عاملی از بین نمی برد. در نهایت نیز می توان به روایت منقول دیگر از حضرت علی (ع) در نهج البلاغه اشاره کرد که در آن حضرت می فرماید: "الحق جدید و ان طالت علیه الایام والباطل مخذول و ان نصره اقوام" یعنی حق همواره تازه است، اگر چه روزگاران بر آن بگذرد و باطل رفتنی است، اگر چه عده ای آن را حمایت کنند.^۲ علاوه بر روایات ذکر شده که از دلایل اصلی عدم پذیرش قاعده مرور زمان در بین برخی از فقها می باشد، فتوای فقها نیز، از دیگر مسببات عدم پذیرش قاعده می باشد که در این رابطه می توان به فتوای شیخ طوسی اشاره کرد که بیان می کند، عدم مطالبه صاحب مال به مدت طولانی، مالکیت وی را بر مال مذکور باطل نکرده و دعوی بر سر مالکیت را باطل نمی نماید و این حق برای او جایز خواهد بود.^۳ همچنین، امام خمینی قدس (ره) نیز در این باره مخالف تاثیر مرور زمان بر دعاوی کیفری بوده و معتقد می باشد که مرور زمان، در ایجاد و یا زوال حق، شرعا اثری ندارد.^۴

مبحث دوم: بررسی مرور زمان کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و قانون کیفری فرانسه

گفته شد که برخی فقها معتقد به لزوم پذیرش قاعده مرور زمان در قوانین کیفری بوده و آن را موثر بر دعاوی بین افراد می دانند. در گستره نظام حقوقی ایران، حقوقدانان نیز به پیروی از فقها پرداخته و معتقدند که فلسفه پیدایش مرور زمان به منظور نظم دهی و مصلحت اندیشی برای اجتماع است و بر این باورند که رسیدگی به دعاوی کهنه و حقوقی که مدتی است مسکوت مانده، برای قاضی متعسر است و ورود در آن به آسایش عمومی و در نتیجه به نظم عمومی آسیب می رساند.^۵ این حقوقدانان بیان می کنند که هر چند اجرای مجازات درباره گناهکار برای تامین آسایش عامه است، عفو و گذشت هم مصلحت جامعه را در بردارد.^۶ پس، می توان بیان کرد که در قانون مجازات ایران، قانونگذار به پیش بینی قاعده مرور زمان در دعاوی کیفری پرداخته و آن را در قانون مدنی موضوعه قرار داده است. به علاوه، با توجه به این امر که قوانین مرور زمان کیفری برای اولین بار وارد

۱. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق) "وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه"، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵، چاپ ۱ ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۴۳۴.

۳. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، بیتا، المسائل الحائریات مندرج در وسائل العسر، قم: نشر اسلامی، ص ۱۹۵.

۴. کریمی، حسین (۱۳۶۵) "موازن قضایی از دیدگاه امام خمینی(ره)"، قم: انتشارات شکوری، ص ۲۴۳.

۵. شریف، علی (۱۳۴۲) "ایراد مرور زمان"، کانون وکلا، شماره، ۸۶ ص ۸۱.

۶. میررجالی، احمد (۱۳۱۷) "مرور زمان"، مجموعه حقوقی، شماره ۸۰، ص ۲۵.

قوانین جزایی کشور فرانسه شده و از این کشور به دیگر نقاط جهان منتقل شده است؛ باید اذعان کرد که این قاعده در قوانین موضوعه کشور فرانسه نیز از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

گفتار نخست: نگاهی به قوانین مرور زمان کیفری در قانون مجازات ایران

قبل از انقلاب اسلامی، قاعده مرور زمان در قوانین موضوعه، از حقوق فرانسه اقتباس شده بود که نتیجتاً در کاربرد و استفاده از آن قاعده مواردی مشابه نظام حقوقی فرانسه، پیش بینی شده بود.^۱ اولین قانونی که راجع به مرور زمان در ایران وضع شد، "قانون مرور زمان اموال غیرمنقول مصوب ۱۳۰۶" و پس از آن "قانون مرور زمان اموال منقول ۱۳۰۸" بوده و قبل از تصویب این دو قانون، در هیچ یک از قوانین ایران از قاعده مرور زمان استفاده نشد.^۲ پس از انقلاب اسلامی، قاعده مرور زمان توسط شورای نگهبان در امور کیفری و مدنی خلاف شرع شناخته شده و از نظام حقوقی ایران حذف گردید که به دلیل ایجاد مشکلاتی در رویه قضایی کشور، مورد پذیرش مجدد قرار گرفت. از این رو، در سال ۱۳۷۸ مرور زمان کیفری در مجازات های بازدارنده پذیرفته شد.^۳ در ادامه تغییر و تحولات حقوقی در ایران، در دوره پس از انقلاب و با توجه به وجود کم و کاستی های موجود در قاعده مرور زمان و لزوم تغییرات در این قاعده، قانونگذار به ایجاد تغییراتی در قانون مجازات پرداخته که در این راستا، می توان به قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ اشاره کرد. با توجه به تغییرات اعمال شده، می توان دریافت که مقررات مرتبط با قاعده مزبور در مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ از قانون آیین دادرسی کیفری سابق نسخ ضمنی شده و قانونگذار در قانون مجازات جدید با رویکردی تازه به مسائل و جزئیات آن از نظر حقوقی پرداخته است مواد ۱۰۵ تا ۱۱۳ قانون مجازات جدید که مرور زمان جرائم تعزیری را در امور کیفری پذیرفته است، از طرح شکایات واهی و بی نتیجه جلوگیری می کند که اگر صحیح اعمال گردد، آثار مثبت خواهد داشت. بر اساس قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قوانین مرور زمان نسبت به جرایم غیر قابل گذشت به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. مرور زمان تعقیب: این نوع از مرور زمان کیفری مربوط به مرحله قبل از شکایت و تعقیب کیفری می باشد که بر طبق آن، از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مهلت قانونی که مرور زمان حاصل می شود، تعقیبی صورت نگیرد. مرور زمان تعقیب در ماده ۱۰۵ از مبحث چهارم قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) مطرح گردیده است. بر اساس این ماده قانونی، مرور زمان در صورتی تعقیب جرایم موجب تعزیر

۱. وزیری، شهربانو (۱۳۸۳) "بررسی تحولات مرور زمان در جامعه بین الملل و قوانین داخلی کشورها"، تهران: اردهالی، ص ۱۵.

۲. یآوری، فتح اله (۱۳۴۴) "ایراد مرور زمان"، مجله کانون وکلا، شماره ۹۵، ص ۷۱.

۳. ساریخانی، عادل (۱۳۸۱) "ترجمه و تلخیص قوانین مالیاتی آلمان"، ترجمه مجید خرمی، گزارش شماره ۴، ص ۱.

را موقوف می کند که از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد معین، تعقیب صورت نگرفته، تعقیب موقوف می گردد تاریخ وقوع جرم مبدا مرور زمان تعقیب محسوب می شود. طبق بند الف ماده ۱۰۵، اگر یک جرم تعزیری درجه یک تا سه تحقق یابد، ولی ۱۵ سال از وقوع آن بگذرد و تعقیبی نسبت به آن جرم صورت نگیرد، با گذشت این مدت دیگر قابل تعقیب نیست و نمی توان متهم را تعقیب کرد. در بندهای بعدی از این ماده نیز به جرم های تعزیری درجه چهار تا هشت پرداخته و مدت انقضای تعقیب متهم را بین ۱۰ تا ۳ سال در نظر گرفته است. مواعد مرور زمان تعقیب بر اساس درجه جرم تعزیری متفاوت است و همه جرائم تعزیری درجات هشت گانه مشمول مرور زمان تعقیب می شوند. در تبصره ۲ از این ماده قانونی، بیان شده است که مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رای مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می شود. با توجه به این ماده قانونی می توان بیان کرد، منظور مقنن صدور حکم قطعی است نه تعقیب کیفری و درصدد بیان مرور زمان صدور حکم می باشد. به لحاظ اینکه تعقیب کیفری آغاز شده قاطع این نوع مرور زمان است.

۲. مرور زمان شکایت: مقنن در ماده ۱۰۶ از این قانون نیز مقرر می دارد: "در جرائم تعزیری قابل گذشت هرگاه متضرر از جرم در مدت یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم، شکایت نکند، حق شکایت کیفری او ساقط می شود مگر اینکه تحت سلطه متهم بوده یا به دلیلی خارج از اختیار، قادر به شکایت نباشد که در این صورت مهلت مزبور از تاریخ رفع مانع محاسبه می شود". در ادامه این ماده نیز مقنن به فوت متضرر از جرم، قبل از انقضای مدت مذکور اشاره کرده و بیان می کند که فوت وی دلیلی بر صرفنظر وی از طرح شکایت نبوده و هر یک از ورثه وی در مهلت شش ماه از تاریخ وفات حق شکایت دارند. البته، تبصره این ماده قانونی مقرر داشته است: "غیر از مواردی که شاکی تحت سلطه متهم بوده، منظور مقنن اعم از سلطه مادی و معنوی است، در صورتی به شکایت وی یا ورثه او رسیدگی می شود که جرم موضوع شکایت طبق ماده ۱۰۵ قانون مجازات، مشمول مرور زمان نشده باشد".^۱ مرور زمان شکایت فرع بر مرور زمان تعقیب است. پس اگر شاکی یا ورثه او تحت سلطه متهم باشند در این صورت حتی با فرض شمول مرور زمان تعقیب حق شکایت کیفری برای شاکی یا ورثه او محفوظ است و در صورت عدم تحقق مرور زمان شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت به لحاظ اینکه مشمول مرور زمان تعقیب گشته حق شکایت کیفری برای شاکی و ورثه او ساقط می گردد و به عبارتی اگر مشمول مرور زمان تعقیب شده باشد ولو اینکه جرایم تعزیری قابل گذشت بوده یک سال از تاریخ اطلاع از وقوع جرم

^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

منقضی نشده باشد حق شکایت کیفری شاکی و ورثه او ساقط می شود. در اینجا سئوالی مطرح می گردد و آن این است آیا با توجه به ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مرور زمان شش ماهه شکایت کیفری در قانون صدور چک، اصلاحی سال ۱۳۸۲ نسخ گردیده یا نه؟ به نظر می رسد که همانگونه با وجود مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ قانون مذکور نسخ نشده بود، ماده ۱۰۶ قانون مجازات اسلامی مرور زمان شش ماهه شکایت مقرر در قانون چک را نسخ ننموده و قانون مذکور که قانون خاص است با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ که قانون عام است نسخ نگردیده است، نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضایی به شماره ۲۰۲۴/۹۲/۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۷ نیز حاکی از این امر می باشد.

۳. مرور زمان صدور حکم: دسته ای دیگر از مرور زمان کیفری که در قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته شده است، مربوط به زمان صدور قطعی حکم می شود که بر اساس آن، اگر از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی و تحقیقی تا انقضا مهلت زمانی که برای مرور زمان لازم است، در رابطه با موضوع حکمی صادر نشود، پس از انقضای مهلت قانونی موضوع مشمول مرور زمان خواهد شد. در این رابطه ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی نیز مرور زمان را از تاریخ آخرین اقدام تعقیبی یا تحقیقی تا انقضای مواعد مذکور دانسته و صورتی که اقدامات انجام شده به صدور حکم قطعی منتهی نگردیده باشد، آن را مرعی می داند. بر خلاف ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری سابق مبدا مرور زمان صدور حکم از تاریخ اولین اقدام تعقیبی مطرح شده بود. بر اساس تبصره ۱ از این ماده قانونی، منظور از اقدام تعقیبی یا تحقیقی "اقدامی است که مقامات قضایی در اجرای یک وظیفه قانونی از قبیل احضار، جلب، بازجویی، استماع اظهارات شهود و مطلعان، تحقیقات یا معاینه محلی و نیابت قضایی انجام می دهند".^۱ البته همان طور که دیدگاه قانونگذار در قانون مجازات جدید نسبت به مرور زمان بیان می کند، باید توجه داشت که مقامات قضایی باید دستور لازم را در جهت اقدامات تعقیبی و تحقیقی صادر نمایند و از این رو هرگاه مدیر دفتر یک مرجع کیفری دستور تجدید اوراق احضاریه و ابلاغ مجدد آنها را بدهد، حتی اقدامات ضابطین در مورد کشف جرم اقدام تعقیبی و تحقیقی، موضوع این ماده محسوب نمی شود. این اقدامات قاطع مرور زمان صدور حکم نخواهد بود و اثر مرور زمان تعقیب و صدور حکم منجر به تصمیم قضایی مبنی بر قرار موقوفی تعقیب خواهد بود و مدت قانونی مرور زمان تعقیب و صدور حکم در ماده ۱۰۵ قانون مجازات یکسان است.

^۱ - قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۴. مرور زمان اجرای حکم: آخرین نوع از اقسام مرور زمان کیفری در قانون مجازات اخیر، مرور زمان اجرای حکم است. بر این اساس مرور زمان، اجرای احکام قطعی را در صورت عدم اجرای حکم از تاریخ قطعی شدن حکم تا انقضای مهلت مقرر قانونی که برای مرور زمان لازم است، متوقف می کند. بر اساس قاعده مرور زمان در اجرای احکام، تمامی احکام کیفری از نوع مجازاتهای تعزیری که مدت قانونی از قطعی شدن آنها گذشته باشد و به هر دلیلی حکم اجرا نشده باشد، دیگر قابل اجرا نیستند. ماده ۱۰۷ قانون مجازات اسلامی در این رابطه مقرر می دارد که چنانچه در جرائم تعزیری درجه یک تا سه از صدور حکم قطعی مدت بیست سال گذشته باشد و در طول این مدت حکم اجرا نشده باشد، مرور زمان اجرای آن حکم را متوقف می کند. همچنین، در بندهای بعدی از این ماده قانونی زمان توقف از اجرای حکم در جرائم درجه چهار تا هشت را به ترتیب پانزده تا پنج سال مشخص کرده است. مواعد مرور زمان اجرای حکم به تناسب درجات جرم تعزیری متفاوت بوده و آنچه محل تامل است مدت مرور زمان اجرای حکم از مرور زمان تعقیب و صدور حکم بیشتر است. علاوه بر ماده قانونی مذکور، مقنن در ماده ۱۰۸ از این قانون نیز مقرر داشته: "هرگاه اجرای مجازات، شروع ولی به هر علت قطع شود، تاریخ شروع مرور زمان، تاریخ قطع اجرای مجازات است و در مواردی که بیش از یک نوبت قطع شود، شروع مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع است، مگر اینکه اجرای مجازات بر اثر رفتار عمدی محکوم قطع شده باشد که در این صورت مرور زمان اعمال نمی شود"^۱. مانند فرار محکوم علیه پس از شروع به اجرای حکم مانع تحقق مرور زمان اجرای مجازات است. با استناد به این ماده قانونی می توان به این امر دست یافت که چون مرور زمان از قواعد مربوط به نظم عمومی و از قواعد آمره است، اشخاص نمی توانند برخلاف آن توافق کنند و عدم توجه به آن از طرف مقامات تعقیب و تحقیق، تخلف انتظامی محسوب می شود. در این رابطه علی آبادی بیان می کند که در صورت ارتکاب جرم جدید و محکومیت قطعی، مرور زمان قبلی قطع شده و مرور زمان از تاریخ آخرین انقطاع جریان پیدا می کند که این امر از مفهوم ماده ۱۰۸ قانون مجازات اسلامی نیز بر می آید.^۲ انقطاع مرور زمان فقط ناظر به جرمی است که تعقیب و تحقیق به عمل آمده و به سایر جرائم مرتکب تسری نمی یابد. انقطاع مرور زمان نفس جرم را از بین می برد بنابراین کلیه کسانی که از جریان مرور زمان بهره مندند از انقطاع آن نیز متضرر خواهند بود. پس اگر کسی مرتکب جرم تعزیری گردد دیگری معاون آن، چنانچه مجازات معاون جرم مشمول مرور زمان

^۱. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

^۲. علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۸۵) "حقوق جنایی"، جلد ۲، چاپ ۲، تهران: انتشارات فردوسی، ص ۳۹۸.

شده باشد، قرار موقوفی تعقیب او صادر می گردد ولو آنکه جرم مباشر مشمول مرور زمان نشده باشد. مطابق صدر ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی لاحق مرور زمان اجرای مجازات فقط مجازات اصلی را زائل می کند لکن آثار تبعی محکومیت کیفری قطعی به قوت خود باقی است. اگر یک تبعه ایرانی در خارج از قلمرو ایران مرتکب یک جرم تعزیری شود و در محل وقوع جرم تعقیب و محاکمه و محکوم شده باشد اما اجرای مجازات موقوف شده باشد در حدود مقررات و موافقت نامه های قانونی حکم دادگاه های خارجی می تواند مشمول مرور زمان اجرای حکم طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۷ قانون مجازات قرار گیرد در صورتی که طبق ماده ۷ قانون مجازات اسلامی اگر اتباع ایرانی که در خارج از قلمرو ایران مرتکب جرم تعزیری شده باشد مشمول مرور زمان تعقیب و شکایت و نخواهد شد. مرور زمان شکایت و تعقیب منصرف به جرایم آنی است در مرور زمان تعقیب مبدا مرور زمان از فردای روز وقوع جرم است و مبدا مرور زمان شکایت در جرایم تعزیری قابل گذشت و نه در جرایم تعزیری غیرقابل گذشت فردای روز اطلاع بزه دیده است. به لحاظ اینکه در جرایم اصل بر غیرقابل گذشتن بودن جرایم است و قابل گذشت بودن جرایم استثنا است و استثنا نیاز به تصریح مقنن دارد که در ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی جرایم غیرقابل گذشت احصاء گردیده است و جرایم تعزیری غیرقابل گذشت صرفا مشمول مرور زمان تعقیب می گردد، جرایم تعزیری قابل گذشت مشمول مرور زمان تعقیب و شکایت می گردد. بنابراین در جرم مستمر مانند ترک انفاق یا تصرف عدوانی که مرتکب در حال ارتکاب جرم است مبدا مرور زمان، زمانی است که استمرار قطع شود، به این دلیل اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره ۵۸۱/۷ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۶ جرم تصرف عدوانی را به لحاظ استمرار مشمول مرور زمان نمی داند، حق شکایت شاکی یا ورثه او باقی می باشد. (رای وحدت رویه شماره ۶۵۹ مورخ ۱۳۸۱/۳/۷) مؤید این مطلب است. در جرایم استمرار یافته که ماهیتا جرم آنی است که به دفعات تحقق می یابد با یک اندیشه مجرمانه (عنصر معنوی واحد) رفتار مجرمانه (عنصر مادی متعدد) جرم به وقوع می پیوندد، مرور زمان تعقیب و شکایت در اینگونه جرایم از فردای روز زمان وقوع اولین جرم شروع می شود و در جرایم به عادت همانند اعتیاد به مواد مخدر مبدا مرور زمان از فردای روز رفتار تشکیل دهنده عادت (دومین جرم ارتكابی) است و جرایمی که دارای عنصر مادی که دارای اجزای متعدد بوده به عبارتی عنصر مادی مرکب می باشد مانند جرم کلاهبرداری زمان شروع مرور زمان آخرین فعل یا جزء عنصر مادی است.

در ادامه بررسی و تبیین قانون مجازات جدید در رابطه با مرور زمان کیفری، می توان به مبحث مستثنیات این قاعده اشاره کرد. ماده ۱۰۹ قانون مجازات برخی از جرائم مستثنا از مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای

مجازات را شامل موارد: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛ جرایم اقتصادی شامل کلاهبرداری و جرایم موضوع تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات و جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر، می داند. بر اساس مواد قانونی ۴۹۸ تا ۵۱۲ از بخش تعزیرات فصل اول از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، به لحاظ اهمیت در ارتباط با نقض ارکان نظام حکومت، از شمول مرور زمان تعقیب و صدور حکم و اجرای مجازات خارجند و به نظر می رسد که معاونت و شروع به جرم در این گونه جرائم، مشمول مرور زمان می باشد. همچنین، در ارتباط با جرایم موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر، می توان گفت که با توجه به این جرائم کلیه جرائم مربوط به مواد مخدر علی الاطلاق و جرایم اقتصادی یا به عبارتی جرایم علیه حقوق مالی دولت در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی احصاء شده است البته کلاهبرداری جرم علیه اموال و مالکیت است و نه جرایم اقتصادی، به هر حال جزء این جرایم با رعایت مبلغ یک میلیارد ریال یا بیش از آن مشمول قاعده مرور زمان نخواهد شد. بدیهی است این جرایم احصاء شده اگر موضوع جرم کمتر از مبلغ مقرر باشد مشمول قاعده مرور زمان خواهند شد سئوالی که در اینجا قابل مطرح نمودن است این است که آیا جرایم در حکم کلاهبرداری از جمله بزه انتقال مال غیر مشمول بند ب ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی می شود در پاسخ باید گفت در کلیه مواردی که مقنن رفتار مجرمانه را در حکم کلاهبرداری تلقی نموده کلیه آثار کلاهبرداری در این عمل مجرمانه مترتب است. لذا با رعایت نصاب مقرر در ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی و تبصره ذیل آن مشمول ممنوعیت مقرر در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص عدم شمول مرور زمان می باشد. اما اگر مقنن صرفاً مجازات رفتار مجرمانه به مجازات مقرر برای جرم کلاهبرداری احاله نموده چون کلیه آثار جرم کلاهبرداری به آن جرم مترتب نیست در نتیجه مشمول ممنوعیت مذکور در ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز نمی باشد.

به نظر می رسد مباشرت، شرکت و معاونت در اینگونه جرایم مشمول این ممنوعیت نشده و مشمول مرور زمان می باشد. به لحاظ اینکه مقنن در مقام بیان بوده و عدم تصریح مقنن باید تفسیر مضیق نمود، البته ذکر این نکته ضروریست ماده ۱۱۲ از قانون مجازات مقرر داشته است که قطع مرور زمان مطلق است و نسبت به همه شرکا و معاونان، جرم اعم از آنکه تعقیب شده یا نشده باشند، اعمال می شود. همچنین، شروع به اجرای حکم در مورد برخی از شرکا یا معاونان جرم، قاطع مرور زمان نسبت به دیگر محکومان است. متوقف شدن تعقیب، صدور حکم یا اجرای مجازات، مانع از پرداخت و ادای حقوق مدعی خصوصی نیست و متضرر از جرم می تواند دعوای خصوصی را در مرجع صالح اقامه کند. در خصوص ماده ۱۱۰ قانون مجازات اسلامی به نظر می رسد در خصوص جرایم تعزیری امکان صدور احکام متعدد اعم از اینکه توسط یک دادگاه و یا دادگاه های متعدد از یک حوزه قضایی یا مختلف و یا با صلاحیت ذاتی متفاوت به لحاظ رعایت قاعده تعدد مندرج در ماده ۱۳۴ قانون

مجازات اسلامی و رعایت قاعده مندرج در ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب وجود ندارد ولو اینکه اتهام متعدد متهم در صلاحیت ذاتی دادگاه مختلف قرار داده شده باشد. دادگاه رسیدگی کننده نمی تواند به اعتبار وجود اتهام دیگری که صلاحیت رسیدگی به آن را ندارد مقررات تعدد جرم را درباره متهم رعایت نماید. اما قطعیت احکام مشمول بند پ ماده ۵۱۰ قانون آیین دادرسی جدید خواهد شد و برای صدور حکم واحد بر اساس مقررات تعدد جرم، پرونده یا به دادگاه صالح بر اساس بند الف یا به دادگاه صالح بر اساس بند ب ارسال می گردد و بعید به نظر می رسد منظور مقنن از احکام متعدد از باب سایر جرایم اعم از حد، قصاص و دیه باشد. چون قاعده مرور زمان مختص جرایم تعزیری است و حتی شامل جرایم تعزیری منصوص شرعی نمی شود. به موجب مواد ۲۴۵ تا ۲۶۱ قانون مجازات اسلامی دو نوع قذف در قانون مجازات مذکور پیش بینی شده است. قذفی که دارای مجازات حد (ماده ۲۵۱) و قذفی که دارای مجازات تعزیری است قذف غیرمسلمان، غیرعاقل، غیربالغ، غیر معین، (تبصره ماده ۲۵۱) قذف فرزند توسط پدر یا جد پدری (ماده ۲۵۹) قذف کسی که در حال اکراه یا عدم بلوغ (ماده ۲۵۳) از جمله قذف هایی است که مشمول مجازات تعزیری است. با عنایت به اینکه مرور زمان در جرایم حدی و موجب قصاص و دیه وجود ندارد و گذشت زمان موجب اسقاط حق در موارد مذکور نمی شود و مقنن مرور زمان را تنها در تعزیرات پذیرفته است، مجازات حد قذف مشمول مرور زمان نخواهد شد. اما در مواردی که قذف موجب تعزیر می شود همانند آنچه که در بالا بیان شد با توجه به اینکه این نوع جرایم در زمره تعزیرات منصوص شرعی بوده و به موجب تبصره ۲ ماده ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی مشمول مرور زمان نمی گردد. قذفی که سبب تعزیر نیز می شود مشمول مرور زمان اعم از شکایت و تعقیب و صدور حکم و اجرای حکم نخواهد شد. اما در خصوص ماده ۱۱۱ قانون مجازات اسلامی آنچه لازم به ذکر است در ایام تعلیق اجرای مجازات یا حکم آزادی مشروط مرور زمان شروع نشده، مبدا مرور زمان از تاریخ لغو قرار یا حکم خواهد بود نه زمان صدور حکم قطعی، این موضوع در تبصره ۲ ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص صدور قرار اناطه مبدا مرور زمان تعقیب در چنین حالتی از زمان صدور حکم قطعی دادگاه حقوقی خواهد بود. از زمان صدور قرار اناطه تا زمان صدور رای کیفری قطعی این مدت جز مدت مرور زمان صدور حکم نخواهد بود، همچنین در قرار تعلیق تعقیب مندرج در تبصره ۱ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مبدا مرور زمان تعقیب از زمان لغو این قرار است، مدتی که تعقیب معلق بوده جز مدت مرور زمان محسوب نمی شود و در قرار تعویق صدور حکم، صدور حکم معلق می ماند از زمان لغو این قرار مبدا مرور زمان صدور حکم خواهد بود نه از زمان آخرین اقدامات تعقیبی و تحقیقی مقامات قضایی و مدت زمانی که صدور حکم به تعویق افتاده جز مدت مرور زمان محسوب نخواهد شد، یکی از وظایف مرجع تحقیق شناسایی متهم و از جمله اهداف تحقیقات مقدماتی است، با عنایت به ماده ۱۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب اولین وظیفه بازپرس تحقیق در خصوص عمل ارتكابی است

و حفظ آثار و علایم و ادله وقوع جرم است و سپس مکلف به شناسایی و انتساب بزه به متهم است. بنابراین در صورت عدم معرفی متهم توسط شاکی و ناشناخته بودن هویت وی حسب اختیارات حاصله از ماده قانونی فوق، مقام تحقیق پس از گذشت دو سال از وقوع جرم، مرتکب جرم معلوم نشود اقدام به صدور حکم قرار توقف تحقیقات صادر می‌نماید. در این مورد هم به نظر می‌رسد از تاریخ صدور قرار توقف تحقیقات، مبدا مرور زمان صدور حکم قطعی می‌باشد. چون با صدور قرار توقف، اقدام تعقیبی و تحقیقی متوقف می‌گردد و از آن تاریخ مدت مقرر قانونی حسب درجات جرم تعزیری سپری گردد و مرتکب جرم معلوم نشود مشمول مرور زمان صدور حکم قطعی خواهد شد و به محض اعلام هویت مرتکب از سوی شاکی به دادستان یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود مدت زمانی که تحقیقات متوقف شده بود جز مدت مرور زمان محاسبه نخواهد شد. هرچند این موارد از سوی مقنن تعیین تکلیف نشده و اهداف قوانین شکلی حفظ حقوق و آزادی های متهم است قاعده مرور زمان خلاف اصل و استثنا باید تفسیر مضیق شود. این نوع تفسیر مضیق به نفع متهم بود و موجبات تضییع حقوق مکتسبه متهم نمی‌شود.

در این گفتار نگارنده به بررسی قانون مجازات اسلامی جدید پرداخته و قاعده مرور زمان را در این قانون مورد بررسی قرار داده است. با توجه به موضوع اصلی تحقیق در رابطه با بررسی تطبیقی بین قوانین ایران و فرانسه، نگارنده در ادامه این نوشتار، قاعده مزبور در قوانین فرانسه را در حیطة نقد و بررسی قرار خواهد داد.

گفتار دوم: نگاهی اجمالی بر قوانین کیفری فرانسه در رابطه با مرور زمان کیفری

در بررسی و تبیین قوانین کیفری فرانسه، می‌توان دریافت که پایه های فلسفی اولین قوانین کیفری در این کشور، مبتنی بر اندیشه اصالت فرد، حفظ ارزش ها و حمایت از اشخاص و مالکیت بوده که اولین هدف آن دفاع از شخص انسانی و دفاع از او در برابر هر نوع تعرض می‌باشد. با وجود این، همان طور که نجفی ابرند آبادی بیان می‌کند، رسالت سه گانه در حقوق جزای فرانسه عبارتند از: رسالت سرکوبگر که به منظور دفاع از جامعه مردمی و وضع ضمانت اجرای جزایی بوده و جنبه شخصی کردن مجازات ها را روز به روز تقویت می‌کند؛ رسالت بیانگر که در آن حقوق جزا مبین ارزش های اساسی جامعه در یک زمان معین است و در مجازات هایی که برای موارد نقض آن ارزش ها پیش بینی شده خلاصه می‌شود؛ رسالت تربیتی که در آن حقوق جزا علاوه بر ممنوعیت های موجود، معیارهایی نیز وضع می‌کند.^۱

^۱ ژان پرادل، تاریخ/اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.

با توجه به این امر که یکی از اهداف حقوق جزای فرانسه تبیین ارزشهای جامعه در یک دوره زمانی معین می باشد، می توان بیان کرد که یکی از اصول پذیرفته شده که از قوانین رم باستان وارد قوانین این کشور شده است و سابقه ای طولانی در قوانین کیفری فرانسه دارد، اصل مرور زمان می باشد که در ماده ۲۲۱۹ قانون مدنی این کشور در این رابطه آمده است: " مرور زمان وسیله تملک یا براءت ذمه است، بر اثر گذاشتن مدتی به شرایطی که قانون معین کرده است." در بررسی و تحلیل قانون مذکور، باید عنوان کرد که هرچند مرور زمان در قوانین کشور ایران از قانون مدنی فرانسه اقتباس شده است؛ اما دو ویژگی مطرح آن که در قوانین فرانسه مورد توجه قرار گرفته و به آنها پرداخته شده است، شامل: مسقط حق و مملک بودن (مواد ۷۱۲ و ۱۲۳۴ و پاره ای مواد دیگر قانون مدنی آن کشور)، در حقوق ایران ذکر نشده است و تنها مرور زمان مسقط دعوی در قوانین ایران ذکر شده که علت آن را می توان عدم مخالفت قوانین موضوعه ایران با اصول و موازین شرعی دانست.^۱ در ادامه بحث، به منظور امکان طرح ویژگی های حقوقی مرور زمان در سطره حقوقی فرانسه، اقسام مرور زمان را بر اساس قوانین موضوعه کشور فرانسه به اختصار مرور خواهیم کرد:

۱. مرور زمان مملکت یکی از انواع مرور زمان می باشد که به کسب ملکیت چیزی که متعلق به دیگران بوده است می پردازد. در این نوع از مرور زمان، مالک اموال در طی مدت مدیدی در مقام مطالبه یا اعمال حقوق خود نسبت به آن افرادی که متصرف مال وی بوده اند، سکوت کرده و برنیامده است و از این رو، این نوع از مرور زمان جزو اسباب تملک می باشد (ماده ۲۲۱۹ از قانون مدنی فرانسه)^۲. از نظر متن در حقوق فرانسه مرور زمان مملکت یکی از مبانی اساسی مالکیت در اموال غیر منقول به شمار آمده و یک مستند مستقلی است که اعتبارش بیش از سند انتقالات بوده و از خدشه ای که به نوشته می توان اعمال کرد، مصون است.^۳ مرور زمان مملکت دامنه وسیعی ندارد، زیرا تنها در قلمرو حقوق عینی تحقق می یابد. به نحوی که حق مالکیت یا حق انتفاع یا حق ارتفاق را در بر می گیرد.

۲. مرور زمان مسقط حق، یکی دیگر از انواع مرور زمان بوده که در راستای سقوط تعهد و آزاد شدن ذمه متعهد در برابر طلبکاری که ظرف مدت مدیدی اجرای تعهد را از بدهکار درخواست نکرده است، ایجاد می شود. مرور زمان مسقط حق در قوانین فرانسه، مبتنی بر اماره پرداخت دین است و تحت عنوان " مرور زمان های استثنائی " در مواد ۲۲۷۱ الی ۲۲۸۱ قانون مدنی فرانسه ذکر شده است. این اصل مربوط به تعهداتی است که معمولاً در مراودات متعارف مردم ظرف مدت کمی ایفا می گردد و برای

^۱ کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) "نظریه عمومی تعهدات"، تهران: نشر یلدا، ص ۵۱۴.

^۲ شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) "سقوط تعهدات"، تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی، ص ۱۴۱.

^۳ متین دفتری، احمد (۱۳۳۷) "آیین دادرسی مدنی"، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۷ و ۱۸.

آنها سندی تنظیم نمی شود. بر اساس دو نوع بیان شده از مرور زمان می توان اذعان کرد که با تحقق مرور زمان، موضوع حق یا دین بدون اراده و میل هریک از طرفین به طور کامل و بدون اینکه در طول زمان نقصی در آن حاصل شود؛ از یکی به دیگری منتقل گردیده و اگر انتقال گیرنده به میل خود موضوع تعهد را به نفر اول برگرداند، دعوی استرداد او تحت عنوان ایفای ناروا مسموع شمرده می شود.

۳. مرور زمان مسقط دعوی، از دیگر انواع مرور زمان می باشد که در کشور ایران نیز به رسمیت شناخته شده و در قوانین حقوقی ایران، از آن یاد شده است. به نظر برخی اساتید، مرور زمان مسقط دعوی وسیله ای در دست خواننده به شمار می آید که برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن به کار می رود. به همین جهت، در قوانین موضوعه ایران برخلاف قوانین فرانسه، ذکر از مرور زمان به عمل نیامده و مقررات مربوط به آن فقط در قانون آیین دادرسی و قانون جزا که حاوی مقررات شکلی برای رسیدگی است، انعکاس یافته است.^۱ در قوانین فرانسه، مرور زمان مسقط دعوی به گونه ای است که تعهد حقوقی، خصیصه الزامی بودن خود را از دست نمی دهد و مرور زمان تنها عنصر ضمانت اجرا را از آن می گیرد و به یک تعهد طبیعی تبدیل می گردد.^۲ مشابه آن در قانون مدنی ماده ۲۶۶ تعهد طبیعی مورد پذیرش مقنن قرار گرفته، در تعهد طبیعی، تعهدی است ضمانت اجرایی ندارد، در واقع متعهد مدیون است، ولی مجبور نیست دینش را تادیه نماید و طلبکار طلب دارد ولی حق مطالبه ندارد، اگر متعهد به میل خود ایفاء دین نماید دیگر نمی تواند از باب ایفای ناروا اقامه دعوی نماید، با بررسی اجمالی که در رابطه با سه قسم از مرور زمان شد، می توان دریافت که بین مرور زمان مملکت، مرور زمان مسقط حق و مرور زمان مسقط دعوی یک اختلاف اساسی وجود دارد که بر اساس آن، در مرور زمان مسقط حق و مرور زمان مملکت، مبنا اماره اعراض از حق یا ابرا دین است، در حالی که در مرور زمان مسقط دعوی، مبنا نظم عمومی است.^۳

با اذعان به اهمیت مرور زمان در قوانین حقوقی فرانسه و همچنین، تاکید اصلی تحقیق بر مرور زمان کیفری؛ باید عنوان کرد که اقامه دعوی در این کشور، در یک مهلت خاص قابل اجراست که برطبق قاعده عمومی و بر اساس ماده ۲۲۶ آیین دادرسی مدنی فرانسه زمان قابل قبول ۳۰ سال بوده و در مورد تعهدات خارج از قراردادها، بر مبنای ماده ۱- ۲۲۷۰، این مهلت به ۱۰ سال کاهش یافته است^۴ و بعد از اتمام این زمان، دیگر نمی تواند

۱. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) "سقوط تعهدات"، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۱۳۹.

۲. کاتوزیان، ناصر، نظریه عمومی تعهدات، ص ۴۷۷ به بعد.

۳. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) "، ص ۱۳۹.

۴. آیین دادرسی مدنی فرانسه مصوب ۱۹۸۵.

مورد رسیدگی قرار گیرد. در بررسی و تبیین قاعده مرور زمان در حقوق جزا و دعاوی کیفری کشور فرانسه نیز، تنها زمانی دعاوی کیفری قابل اقامه می باشند که در یک مهلت خاص مطرح شوند. به طوری که، پس از آن دیگر قابل طرح نیستند. مواد ۷، ۸ و ۹ آئین دادرسی کیفری فرانسه مقرر کرده است که شمول مرور زمان در امور جزائی می بایست به دقت در تمام موارد کیفری مشخص شود، زیرا این مقوله نه تنها به لحاظ آثار بلکه از نقطه نظر اهداف نیز در این موارد متفاوت است.^۱ از این رو، برخی مولفین معتقدند که طبق قوانین کیفری فرانسه، شمول مرور زمان در جرائم و مجازات آنها از دو منظر قابل اعمال است:

۱. از نظر شدت مجازات، در جنایت ۲۰ سال، در جنحه ۵ سال و در تخلف ۳ سال می باشد.
۲. از نظر جرم ارتكابی، در جنایت ۱۰ سال، در جنحه ۳ سال و در تخلف تنها یک سال خواهد بود، حتی اگر تخلف خود زمینه ای برای ارتكاب جنحه باشد.^۲

در ادامه فرایند تحلیل قاعده مرور زمان کیفری در قوانین فرانسه، می توان مشاهده کرد که قانونگذار در قلمرو اجرای قانون جزا، در قانون جزای جدید فرانسه مصوب ۱۹۹۳ نیز چهار ماده واحده از ۱-۱۱۲ تا ۴-۱۱۲ را به امر مرور زمان کیفری اختصاص داده و رویه های قضایی خاصی را در آنها به کار بسته است. ماده ۱-۱۱۲ مقرر می دارد: "فقط اعمالی، جرم و قابل مجازات می باشند که در تاریخ ارتكاب جرم شناخته شده باشند، دادگاه فقط می تواند حکم به مجازاتی دهد در آن تاریخ لازم الاجرا باشد"^۳. با توجه به این ماده قانونی می توان دریافت که قانون به جرائمی که سابقا ارتكاب یافته اند و اعتبار آنها مختومه شده است توجهی نکرده است. البته، ماده ۲-۱۱۲ از این قانون مقرر می دارد: "قوانین زیر به منظور سرکوب جرائمی که پیش از به اجرا گذاشتن آنها ارتكاب یافته اند، بلافاصله قابل اعمال می باشند:

۱. قوانین مربوط به صلاحیت سازمان مراجع قضایی تا هنگامی که یک تصمیم ماهوی در مرحله بدوی اتخاذ نشده است.
۲. قوانین که شیوه های تعقیب و اشکال دادرسی را تعیین می نمایند.

^۱.Stefani, G., Levasseur, G., Bouloc B, (۲۰۰۴) *Procédure pénal*, Dalloz, ۱^èéd.

^۲. متین دفتری، احمد (۱۳۳۷) "آیین دادرسی مدنی"، جلد ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۵.

^۳.Christien. L, (۱۹۹۳) *la partie general du nouveau code penal francias*, Archive de politeque criminelle mais. P ۱۳

۳. قوانین مرتبط با رژیم اجرا و اعمال کیفرها، با این همه هنگامی که هدف این قوانین تشدید کیفرهای بیان نشده در تحکم محکومیت می باشد، این قوانین قابل اعمال نمی باشد. مگر بر محکومیت های صاره شده برای اعمالی که پس از به اجرا گذاشتن آنها ارتکاب یافته اند.

۴. قوانین مرتبط با مرور زمان دعاوی عمومی و مرور زمان کیفرها هنگامی که این مرور زمان ها اکتساب نشده اند"^۱

ماده ۳-۱۱۲ از این قوانین نیز در رابطه با قاعده مرور زمان کیفری بیان می کند که قوانین مرتبط با ماهیت راههای اعتراض، حالت هایی که در آنها راه های اعتراض بازمی باشند و همین طور مهلتی که طی آن می توان بر اعتراض های صورت گرفته نسبت به تصمیم های موردحکم، اعتراض کرد؛ بعد از به اجرا گذاشتن آنها، قابل اعمال می باشند. در نهایت در این قوانین، قانونگذار در ماده ۴-۱۱۲ قید کرده است که اجرای بلافاصله قانون جدیدنسبت به اعتبار اعمال انجام گرفته، مطابق با قانون پیش بی تاثیر است. همان طور که مشاهده می شود، در قوانین فرانسه، قاعده مرور زمان به قانون ماهوی تشبیه شده و در این رابطه باید توجه داشت که این مجادلات فقط راجع به مرور زمان در جریان طبق قانون قدیم می باشد، مگر اینکه مهلت مرور زمان هنگام ورود قانون جدید تمام شده باشد که مساله ای ایجاد نکرده و موقعیت به طور قطع اکتسابی خواهد بود که در این شرایط، قانون جدید مجازات فرانسه نمی تواند آن را تغییر دهد.

در نهایت همان طور که لنگرودی بیان می کند، ذات مرور زمان کیفری در دعاوی از قواعد نظم عمومی است و به این لحاظ، طرفین حق ندارند که حقی را غیر قابل مرور زمان اعلان کنند یا پیش از شروع آن نسبت به مسئله خاصی، مرور زمان را اسقاط کنند.^۲ در این قسمت، نگارنده در تلاش بود تا قاعده فوق الذکر را در قوانین موضوعه فرانسه مورد بررسی قرار داده و آن را در حیطة نقد و بررسی بگذارد. از این رو، می توان بیان کرد که گرچه در مجموعه قوانین جزائی و مدنی ایران و فرانسه قاعده مرور زمان پذیرفته شده است، اما بین قوانین موضوعه آنها تفاوت هایی وجود دارد که در ادامه این نوشتار به آنها خواهیم پرداخت.

برآیندها

همان طور که بیان شد، به نظرمی رسد که قاعده مرور زمان در قوانین موضوعه ایران از قوانین مدنی و جزایی فرانسه اقتباس شده باشد. البته این نکته قابل ذکر است که دو قسم از این قاعده، شامل: مسقط حق و مملک بودن در قوانین ایران مطرح نشده است که علت آن را می توان عدم تطابق این موارد با فقه و احکام اسلامی

^۱.Christien. L, (۱۹۹۳) *la partie general du nouveau codepenal francias*, Archive de politeque criminelle mais. P ۱۳

^۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۸) "دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت"، تهران: انتشارات گنج دانش، ص ۱۳۶.

دانست. از این رو، همان طور که برخی از اساتید گفته اند چون فقط مرور زمان مسقط دعوی در ایران پذیرفته شده، می توان گفت از این جهت به قانون سوئیس شباهت دارد.^۱ با توجه به این امر که در احکام فقهی، برخی از فقها با قاعده مرور زمان مخالف می باشند و این قاعده را نمی پذیرند؛ در قوانین موضوعه ایران نیز که بر اساس فقه امامیه وضع شده است، قانونگذار به قاعده مرور زمان به عنوان ساقط کننده حق نپرداخته است و تنها آن را وسیله ای به شمار آورده است که برای اسقاط دعوی خواهان و جلوگیری از استماع آن به کار می رود. از این رو، در قوانین موضوعه ایران، قاعده مرور زمان به تنهایی سبب مملک یا مسقط حق و تعهد نمی شود.

در رابطه با مرور زمان کیفری و توجیه عملکرد قانونگذار در خصوص اختصاص دادن مرور زمان بر جرایم در حقوق کیفری می توان چنین بیان کرد که مجازات متعلق به جامعه است و منفعت آن برای جامعه تعیین کننده میزان کارایی مجازات می باشد. پس هرگاه جامعه به علت گذشتن زمانی طولانی، جرم ارتكابی را فراموش می کند دادگستری دیگر حق احیای مجدد آن را ندارد. به عبارت دیگر، منشا و بنیان تصمیم گیری و عملکرد قانونگذار در رابطه با جرائم در جامعه را می توان سیاستگذاری های اجتماعی و فرهنگی در راستای سلامت جامعه دانست که این امر اهمیت مرور زمان در قوانین کیفری را مشهودتر می کند. با وجود این، ذکر این نکته ضروری به نظر می رسد که هرچند قوانین و مقررات اعمال شده در رابطه با مرور زمان با اصول و مبنای حقوقی فرانسه مطابقت کامل داشته و قانونگذار در آن کشور در تمامی قوانین موضوعه مدنی و کیفری، قاعده مرور زمان را در سه نوع بیان شده در نظر گرفته و در برخورد با جرائم مختلف از این قاعده پیروی کرده است؛ اما به این سبب که اساس و بنیان حقوق کیفری ایران، فقه و اصول اسلامی می باشد و در فقه اسلامی قاعده مرور زمان و همچنین عملکرد آن در جرائم دارای اشکالات شرعی بوده و مورد توافق تمامی فقها و علما نمی باشد؛ قوانین حقوقی ایران نیز به تبعیت از احکام فقهی پرداخته و این قاعده را در گستره محدودی از جرائم به کار گرفته است که با بررسی ماده قانونی مرتبط با این قاعده (مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ تا ماده ۱۱۳) در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می توان به خوبی این تفاوت را دریافت.

در قوانین کیفری ایران، مرور زمان در جرایم حدی، جرایم مستوجب قصاص و دیه مطرح نیست و گذشت زمان موجب از بین رفتن حق در موارد مذکور نمی شود. همچنین، قانونگذار ایران مرور زمان را تنها در تعزیرات پذیرفته است که دلیل آن را می توان چنین عنوان کرد که حاکم این اختیار را دارد تا در اجرای تعزیرات قاعده مرور زمان را مورد استفاده قرار دهد یا قرار ندهد. در نهایت می توان به این امر اشاره کرد که اگر اجرای مجازات

^۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) "نظریه عمومی تعهدات"، تهران: نشر یلدا، ص ۵۱۴.

فرد محکوم معلق شده یا اینکه او به صورت مشروط آزاد شده باشد، اما پس از مدتی قرار تعلیق اجرای مجازات یا حکم آزادی مشروط او لغو شود؛ آغاز مرور زمان، تاریخ لغو قرار یا حکم است و مرور زمان از این تاریخ محاسبه می شود.

منابع و مأخذ

۱. آخوندی، محمود (۱۳۷۶) "بین دادرسی کیفری"، چاپ ۸، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲. ----- (۱۳۷۱) "مرور زمان کیفری (چگونگی مشروعیت و فلسفه آن"، مجله قضایی و حقوقی دادگستری، شماره ۶.
۳. ابو حیب، سعدی (۱۴۰۸) "القاموس الفقہی"، دمشق: دارالفکر، چاپ ۲، جلد ۶.
۴. ابوالحسین، احمد بن فارس (۱۴۰۴) "معجم مقاییس اللغه"، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ ۱، جلد ۵.
۵. انصاری، مسعود (۱۳۸۴) "دانشنامه حقوق خصوصی"، تهران: محراب فکر.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷) "ترمیمولوژی حقوق"، چاپ ۱۹، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۷. ----- (۱۳۸۸) "دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت"، تهران: انتشارات گنج دانش.
۸. حر عاملی، محمد (۱۴۰۹ق) "وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشرعیه"، قم: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، جلد ۲۵.
۹. حاتمی، علی اصغر و ذاکری، محمد وحید (۱۳۷۹) "تجدید اعتبار مرور زمان در نظام حقوقی جمهوری اسلامی"، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۸.
۱۰. ژان پرادل، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. ساریخانی، عادل (۱۳۸۱) "ترجمه و تلخیص قوانین مالیاتی آلمان"، ترجمه مجید خرمی، گزارش شماره ۴.
۱۲. سرمدی، محمود (۱۳۱۶) "مجموعه حقوقی"، شماره ۳۴.
۱۳. شفایی، محسن (۱۳۴۵) "اسلام و قانون مرور زمان"، چاپ ۲، تهران: انتشارات نقش جهان، تهران.

۱۴. شهیدی، مهدی (۱۳۶۸) "سقوط تعهدات"، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۵. شریف، علی (۱۳۴۲) "ایراد مرور زمان"، مجله کانون وکلا، شماره ۸۶.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷) "المبسوط"، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، چاپ ۳، جلد ۳.
۱۷. عبدالرحمان، محمود، بیتا، معجم المصطلحات و الفاظ الفقہیہ، بیجا، بینا، جلد ۱.
۱۸. عطاله، برهام محمد (۱۹۹۲) "اساسیات نظریه الالتزام فی القانونین المصری و اللبنانی"، بیروت: دارالجامعیه.
۱۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴) "نظریه عمومی تعهدات"، تهران: نشر یلدا.
۲۰. کریمی، حسین (۱۳۶۵) "موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی (ره)"، قم: انتشارات شکوری.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹) "الکافی"، جلد ۵، قم: دارالحدیث للطباعه و النشر.
۲۲. گارو (۱۳۴۴) "مطالعات نظری و عملی حقوق جزا"، ترجمه: ضیاءالدین نقابت، جلد ۲۷، تهران: انتشارات ابن سینا.
۲۳. مهدوی، ابراهیم (۱۳۳۶) "در اطراف مرور زمان"، کانون وکلا، دوره ۱، ش ۵۲.
۲۴. موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۶) "توضیح المسائل"، بیجا: بینا، جلد ۲.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷) "استفتائات جدید"، قم: مدرسه علی بن ابیطالب، چاپ دوم، جلد ۱.
۲۶. مجموعه من المؤلفین (۱۴۰۴) "موسوعه الفقہیہ الكويتیه"، کویت: دارالسلاسل؛ جلد ۱.
۲۷. محقق دامادیزدی، مصطفی (۱۴۰۶) "قواعدفقہ"، جلد ۱، چاپ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. متین دفتری، احمد (۱۳۳۷) "آیین دادرسی مدنی"، جلد ۳، تهران: چاپ انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. میررجالی، احمد (۱۳۱۷) "مرور زمان"، مجموعه حقوقی، شماره ۸۰.
۳۰. نجفی، شیخ محمد حسن (۱۳۶۷) "جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام"، تعلیق محمد قوچانی، جلد ۲۹، چاپ ۳، تهران: المکتبه الاسلامیه، ص ۴۳۸.
۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۱۵) "خاتمه المستدرک الوسائل"، جلد ۱۷، قم: آل البيت.
۳۲. نبرای، نبیل عبدالصبور (۱۹۹۶) "سقوط الحق فی العقاب بین الفقہ الاسلامی و التشريع الوضعی"، بیروت: دارالفکر العربی.
۳۳. واعظی، ابوالفضل (۱۳۵۴) "مرور زمان کیفری از نظر قوانین جزائی سابق و لاحق"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران.

۳۴. وزیری، شهربانو (۱۳۸۳) "بررسی تحولات مرور زمان در جامعه بین الملل و قوانین داخلی کشورها"، تهران: اردهالی.
۳۵. یاوری، فتح اله (۱۳۴۴) "ایراد مرور زمان"، مجله کانون وکلا، شماره ۹۵.
۳۶. سبزواری نژاد، حجت، ۱۳۹۲، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: انتشارات جنگل.
۳۷. مصدق، محمد، ۱۳۹۳، شهر قانون مجازات اسلامی، ج ۵، تهران: انتشارات جنگل.
۳۸. خالقی، علی، ۱۳۹۲، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش.

۳۹. Christien. L, (۱۹۹۴) *la partie general du nouveau codepenal francias*, Archive de politeque criminelle mais.

۴۰. Stefani, G. , Levasseur, G. , Bouloc B, (۲۰۰۴) *Procédure péna*, Dalloz, ۱^èed.

۴۱. *What Is the International Criminal Court?*, ۲۰۰۵, P. ۱, at:http://www.globalsolutions.org/files/public/documents/ICC_What-is-it.Pdf.